

بقلم : آقای محمد مهران

لرستان

(۱)

دوست دانشمند آقای وحیدزاده - نسیم دستگردی صاحب امتیاز و نگارنده نامه نفیس ماهانه ادبی «ارمغان» که آثار پدر مرحوم خود (استاد عالیقدر شادروان وحید دستگردی طباطبائی رمسه الشریف) از جمله مجله گرانمایه ارمغان را زنده نگهداشته و بنشر آن که تا حال سی و یکمین دوره را طی چهل و اندی سال تأسیس طی می‌کنند همت گماشته از من مقالاتی را جمع بلرستان و ایله‌ها و طوائف آن باعتبار آنکه پدرم (مرحوم صادق بروجردی) از آن سامان برخاسته و بنده نیز روی حب مسقط - الرأس آبائی تحمیل تحقیقاتی در این زمینه کرده باشم خواسته و امر بتدارک و تقدیم آن فرموده‌اند مگر مورد مطالعه و استفاده ارباب دانش قرار گیرد و خوانندگان گرامی ارمغان را بهره‌ای حاصل شود.

بنابراین دستور ایشان را اطاعت نمودم و تا آنجا که از حوصله نامه باارزش ارمغان و وقت شریف خوانندگان خارج نباشد بتوجیه و تبیین آن پرداختم امیدوار است علم و اطلاع بیشتری بوضع و جمعیت عده‌ای از هموطنان عزیز ما بدست آید.

لرستان در مغرب ایران واقع و از طرف شمال بخاک کرمانشاهان و خزل

۱ - لرستان در دوره قاجاریه یکی از ولایات ایران و والی آن در بروجرود اقامت داشت و بعداً در قانون تقسیمات کشور مصوب ۱۶ آبانماه ۱۳۱۶ بروجرود و خرم‌آباد هر دو جزء شهرستان‌های تابعه استان ششم (خوزستان) تعیین شدند و اخیراً دولت لرستان را بفرمانداری کل تبدیل کرده است.

و نه‌اوند و بروجرد و سیلاخور تا چهارلنگ بختیاری و از سمت مشرق بکوه‌های بختیاری چهارلنگ و هشت‌لنگ و از طرف جنوب بخوزستان و از جانب مغرب بکرمانشاهان محدود میشود.

لرستان را از نظر سکونت لرها میتوان بدو قسمت که بواسطه کبیر کوه از هم جدا میشوند تقسیم کرد:

۱ - پیشکوه با نسبت سه پنجم

۲ - پشتکوه با نسبت دو پنجم

۱ - پیشکوه

شهر خرم‌آباد در قطعه پیشکوه و تقریباً مرکز آن قرار دارد و قلعه فلک - الافلاک که در ضلع شرقی شهر روی قطعه سنگی واقع و از بناهای اتابکان لرستان است و گویند قلعه مزبور در زمان حکومت ظل‌السلطان (دوران قاجاریه) خراب و منهدم گردیده و تعمیر و ساختمان مجدد آن مرهون عصر پهلوی میباشد.

خرم‌آباد در ۵۵۳ کیلومتری جنوب غربی طهران واقع، طول جغرافیائی ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه و عرض ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه اختلاف ساعت با طهران ۱۲ دقیقه و ۱۸ ثانیه مقدم است یعنی ۱۲ طهران مساوی است با ۱۱ و ۴۷ دقیقه و ۴۲ ثانیه خرم‌آباد (۱)

طوائف پیشکوه

طوائف عمده عبارتند از بالا کریوه - سلسله - دلفان - طر حان - چکتی

اولا - طوائف بالا کریوه

که به هفت تیره منقسم میشوند: ۱ - بیرانوند ۲ - دالوند ۳ - قاید رحمت ۴ - سگوند ۵ - پایی ۶ - خودکی ۷ - دیر کوند یا دیریکوند.

- ۱ - بیرانوند - حدود دوازده هزار خانوار و از بزرگترین تیره‌های لرستان میباشند. بیلاق آنها «هترو» معروف به هروی پرانوند و قشلاقشان پشتکوه است.
- ۲ - دالوند - قریب هشتصد خانوار محل آنها هروی دالوند است سابقاً بیلاق و قشلاق میکردند ولی سالها است در محل خود سکونت اختیار کرده و زمستان در ده و تابستان در چادر بسر میبرند جمعیت آنها سابقاً زیادتر بوده ولی بواسطه تعدیاتی که بآنها وارد آمد عده‌ای بدهات سیلاخور کوچ کردند.
- ۳ - قاید رحمت - عده آنها قریب شش صد خانوار بوده ولی چندی متفرق و بدهات سیلاخور هجرت کردند تا حصول امنیت دوباره جمع و در محل بیلاق خود که معروف به هروی قاید رحمت است در خانه‌هایی که تدارک کرده اند سکونت و تابستان را در زیر چادر بسر میبرند.
- ۴ - سگوند - عده آنها حدود شش هزار خانوار و بدو جوقه «رحیمخانی» و «عالیخانی» تقسیم میشوند و باهم اختلاف دارند املاکشان از طایفه ساکی بوده و ظاهراً غصب کرده اند بیلاقشان - وبستان - ازنا - خیار کل - کورت و کیان میباشد قشلاقشان صحرای کرر و دزفول و اطراف رود کرخه و خاک پشتکوه است ولی ملکی در گرمسیر ندارند و برای علف چر بیابان گردی میکنند و چندی است که سکوند عالیخانی بخوزستان و پشتکوه نمیروند و در بلوک جنوبی خرم آباد و کنار رلو کشکان را برای خود قشلاق قرار داده اند.
- ۵ - پاپی - که قریب یک هزار خانوار میباشد بیلاقشان طرف شرقی لرستان و در جوار بختیاری است املاکشان گرچه خوش آب و هوا است لیکن بواسطه کمی زمین زراعت قلیلی دارند و قشلاقشان نزدیک و در خاک دیر کوند میروند یک جوقه پاپی معروف به (بیریائی) در دره خوش آب و هوا و خرمی که مشهور بهمین نام است سکونت داشته و بقشلاق نمیروند و با بختیاریها خلطه و آمیزش و

وصلت دارند جنگلهای پایی درختهای انگور و انار و انجیر زیادی دارد و مردمش با اینکه نسبت بسایر طوایف لرستان کمتر بشهر مرارده دارند اغلب با هوش و فراست هستند .

۶ - جود کی - تقریباً یکمزار خانوار میشوند بیلاقشان (چمشک) و (آب سرد) و (آداباد) و (قلعه نصیر) که درمرکز جنوب پیشکوه واقع است میباشد قشلاقشان جایدر محل قشلاقی سابق حسنوند و متصل بمحل بیلاقی آنها است .

۷ - دیر کوند - این طایفه سه تیره اند بهاروند - قلاوند - زنیلوند .

الف - بهاروند - متجاوزازدو هزار خانوارند بیلاق آنها قسمت شرقی لرستان از قبیل کرکی و سگزه قشلاق آنها حدود آب زال تا نزدیکی قیلاب است (قیلاب از دهستانهای بخش اندیمشک و درباختر رودخانه دز و جنوب دهستان سگزه قراردارد) بیلاق آنها بیشتر کوهستان و اراضی زراعتی کم دارد بنا براین عدهای از این طایفه در بلوک خرم آباد زراعت مینمایند .

ب - قلاوند - قریب ۸۰۰ خانوار و در جنوب شرقی لرستان (هم خاک با بهاروند و پایی) سکونت دارند قشلاقشان هم قیلاب از خاک لرستان که تا دزفول حدود شش الی هفت فرسخ فاصله دارد و در نتیجه بیلاق و قشلاقشان متصل بهم میباشد و در بیلاق و قشلاق درخت انگور و انجیر و انار جنگلی دارا میباشد .

ج - زنیلوند - قریب ۲۰۰ خانوار و ملک آنها (ماژین) در سواحل رود صمیر - دامنه کبیر کوه واقع است بیلاق و قشلاقشان دریک محل ولی گرمسیر و کم زراعت است و صیمره که محل مرغوب و حاصل خیز است وصل بخاک آنها و مورد استفاده میباشد .

صیمره خالصه دولتی بوده و والی پشتکوه آنرا خریداری وبمیر صید محمد

خان (۱) سر کرده آنها واگذار نموده که در آنجا زراعت میکنند توضیح آنکه میرهای دیر کوند از بنی عباس و سر کرده و رئیس دیر کوند بوده ولی مدتهاست طایفه دیر کوند (بهاروند و قلاوند و زنیل وند) بآنها اعتنائی نداشته و تمکین نمیکند و آنها نیز که در حدود ۴۰۰ خانوار میباشند جداگانه برای خود زندگانی مینمایند .
 ناتمام

۱- میر مخفف امیر و بمعنای حاکم و فرمانرا و سردار است و در میر آب و میر آخور هم آمده و بمعنای رئیس آب و بزرگ آخور و مهتر آمده است و اما صید در لغت بمعنای شکار است و یا جانوری که شکار میشود و اگر با صاد مکسور و یا مفتوح و یاء مشدد مکسور خوانیم جز محرف سید با سین لغت دیگری نمیتواند باشد که آنها بمعنای بزرگ و سردار و آقا و پیشوا میآید و بر بنده کاملا مفهوم و معنای صید با صاد که لرهای بنی العباس بخود لقب داده اند معلوم نکردید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان فصل علوم انسانی

پسر چون زده بر گذشتش سنین ز نامجرمان گو فراتر نشین
 بر پنبه آتش نشاید فروخت که تا چشم بر هم زنی خانه سوخت
 (سعدی)